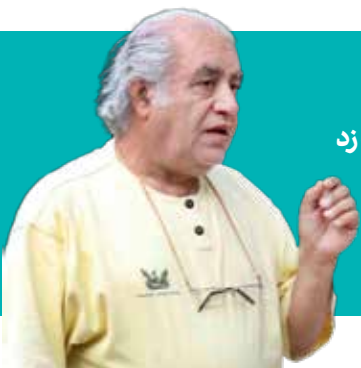




۱۰

«یک بوس کوچولو» با صدای علیرضا آرا

بهباد فراهانی در روز تولدش درباره زادگاه، خانواده و معلماتش حرف زد جز با هنر مانوس نبودیم



فرهنگ

پنجشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۹۹ :: شماره ۵۸۵۹



۱۲

۹ جام جم

دنگ

پیش‌فروش اولین آلبوم بهداد

چند روز پیش بود که اینجا خبر دادیم اولین آلبوم شخصی موسیقی حامد بهداد، مجوز انتشار گرفته‌است. حالا خبر رسیده همه چیز آماده است و پیش‌فروش این آلبوم که «هزار هیج» نام دارد از دیروز در سایت بیپ تونز و تیکوک آغاز شده است. آلبوم کی منتشر خواهد شد؟ از «بهمن به شکل دیجیتالی و فیزیکی. خبر را هنرآلایین منتشر کرده و افزوده: حامد بهداد در تولید اولین آلبوم رسمی خود توانسته نوازنده‌ها و موزیسین‌های شاخص را با خود همراه سازد و مجموعه‌ای با هفت قطعه را آماده انتشار کند. بهداد در تولید تمام قطعات از اشعار حافظ استفاده کرده‌است.

این اولین تجربه حامد بهداد در زمینه موسیقی نیست و او پیش از این در آلبوم‌ها و کنسرت‌های گروه دارکوب به عنوان خواننده حضور داشته و همچنین قطعاتی در فضای راک و بلوز با همکاری مسعود فیاض زاده منتشر کرده که به نوعی هزار هیج ادامه همین فعالیت‌ها محسوب می‌شود. بهداد علاوه بر خوانندگی و آهنگسازی، تهیه‌کنندگی این آلبوم را هم بر عهده دارد. مسعود فیاض زاده آهنگساز، تنظیم‌کننده و نوازنده گیتار الکتریک آلبوم هزار هیج است.

دیگر اعضای گروه ساخت و تولید این آلبوم عبارتند از: دارا دارابی (گیتار باس)، درشن آئند (طبل)، علی باغفر (درامر)، آرتین ملیکیان (کیبورد)، علی‌اظهري (گیتار الکتریک و آکوستیک)، رضا خوشنویش (پیانو) و صنم پاشا (بک وکال). همچنین گروه کر فیلامونیک ایران به رهبری علیرضا شفق‌نژاد در تولید یک قطعه با حامد بهداد همکاری داشتند.

ضبط این آلبوم از سال ۱۳۹۶ در استودیو پاپ با صدابرداری امید اصغری آغاز شد و در نهایت میکس و مستر آن اسماعل توسط رامین مظاهری به پایان رسید. ضبط کرال در استودیو شهر صدای پاریس انجام شده و ناشر این آلبوم هم نشر کوک (رضا کریمی‌تبار) است. حنیف سروری مجری طرح و فرهاد فتوحی حامی مالی این پروژه هستند.

گرافیک هزار هیج کار سوگل ضامنی و عکاس عطا محمدی است و نسخه فیزیکی این آلبوم به همت پخش رها (رهگذر هفت اقلیم) در دسترس عموم قرار می‌گیرد. امیر بهاری و سیامک قلی‌زاده تیم رسانه‌ای آلبوم هستند و پخش بین‌المللی آن توسط زنگ رکوردز انجام می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند تا روز ۱۰ بهمن برای پیش‌خرید نسخه دیجیتالی آلبوم

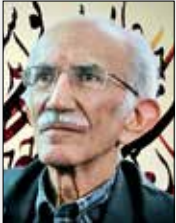
هزار هیج از طریق سایت بیپ تونز اقدام کنند

و همچنین برای پیش‌خرید نسخه فیزیکی و نسخه امضا شده به سایت تیکوک (tikook.com) مراجعه کنند. از دهم

بهمن ارسال نسخه‌های فیزیکی با پست پیش‌تاز آغاز می‌شود و نسخه دیجیتالی هم قابل دانلود خواهد بود.



نادره کار نستعلیق

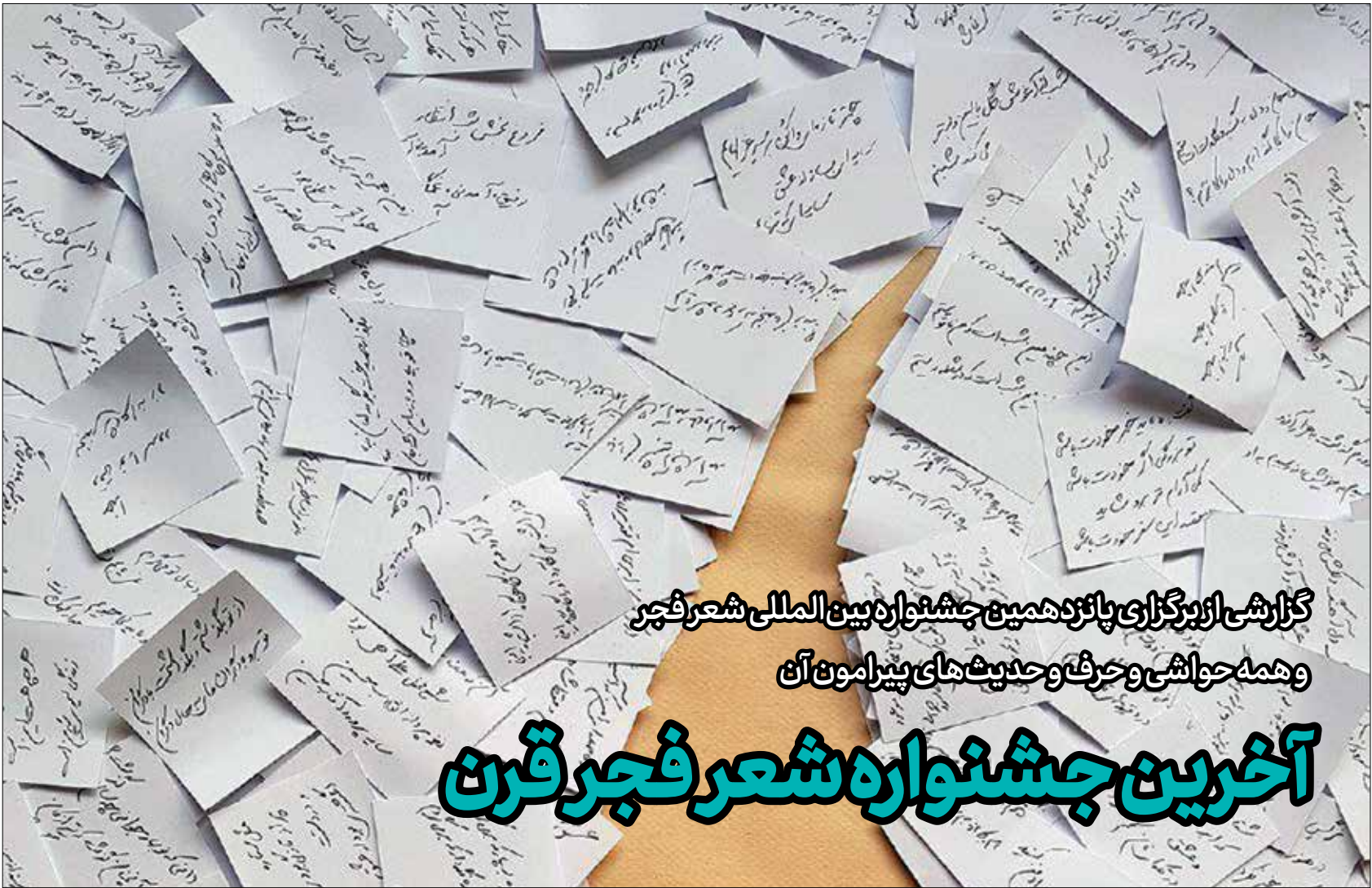


غلامحسین امیرخانی
امروز ۸۱ ساله می‌شود

کم‌کاری نیست، کم‌نیست این‌که شما سر و کارتان با هنری کاملاً تخصصی و حتی مهجور باشد و بتوانید با هنرمندی آن را میان مردم بیابورید. درباره غلامحسین امیرخانی حرف می‌زنیم؛ هنرمند خوشنویسی که مردم این هنر را به نام او می‌شناسند. نه فقط هنر خوشنویسی بلکه یکی از زیرشاخه‌های آن یعنی نستعلیق را. اساساً عموم مردم خوشنویسی را با یکی از عناوین آن یعنی همین خط نستعلیق می‌شناسند و این هنر، این شناس بودن امرهون تلاش‌های غلامحسین امیرخانی است. امیرخانی از سال ۱۳۴۰ در اداره‌کل هنرهای زیبا در وزارت فرهنگ و هنر سابق با سمت خطاط استخدام شد. از مشاغل دیگر او می‌توان به مدیریت و ریاست شورایعالی انجمن خوشنویسان ایران، مدیریت فرهنگسرای اسپاران و ریاست شورای عالی خانه هنرمندان ایران اشاره کرد. امیرخانی در انجمن خوشنویسان ایران به کار تعلیم خط به خوشنویسان و استادان دیگر مشغول است. امیرخانی در نستعلیق نویسی شیوه‌ای ویژه به خود دارد که مورد اقبال بسیاری از استادان خوشنویسی است. بسیاری از خوشنویسان صاحب‌نام معاصر از جمله مهدی فلاح، کرملی‌سالخورده آبسردی، امیراحمد فلسفی، علی‌اشرف صندوق‌آبادی، جواد یختریاری و ... شاگرد غلامحسین امیرخانی هستند

و بیشتر خوشنویسان معاصر به طور مستقیم یا غیرمستقیم از خط او مشق کرده‌اند. امیرخانی علاوه بر این که در کار خود هنرمند است، ناظر دقیق فرهنگ ایران نیز است. یک بار او در مراسم رونمایی از کتاب «نامه به فرزندان» پندنامه محمدعلی اسلامی‌نودوشن گفته بود: «افسوس می‌خورم که یکی از بزرگ‌ترین فرهنگ‌های جهان را داریم که باید آن فرهنگ و اخلاق را به دنیا صادر کنیم و ارزش نفت و گازمان در کنار آن بسیار ناچیز است، اما در عمل قادر به انجام آن نیستیم. کافی است کتاب‌های بزرگان ایرانی را با ترجمه دقیق همچون مثنوی و ... به دنیا صادر کنیم، چرا که این آثار معرفی‌کننده جایگاه انسان روی زمین است.»

سال گذشته بود که استاد امیرخانی در ردیف گنجینه زنده بشری در خط نستعلیق در فهرست ملی نادره‌کاران میراث فرهنگی ناملموس هم ثبت شد. پیام‌های تبریک فراوانی برای او فرستادند. یکی از پیام‌ها مربوط به هادی مظفری بود که مدیرکل هنرهای تجسمی است؛ «خط نستعلیق عصاره نگاه‌زیبایی‌شناس انسان ایرانی است، در همه قرون، نادره‌کارانی که دست به قلم بردند و خطی بر چیده هستی به یادگار گذاشتند. بی‌تردید سالیان درازی است که هنر خوشنویسی و خط نستعلیق به قلم شما عزت یافته و نام نیکتان خوشنویسی این مرز و بوم را در جهان رونقی دیگر بخشیده است.»



نگارشی از برگزاری پانزدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر و همه حواشی و حرف و حدیث‌های پیرامون آن

آخرین جشنواره شعر فجر قرن

چرا دیگر خبری از خواننده‌های پرسابقه پاپ کشور نیست؟ چه کسی فرمان موسیقی این روزها را به دست گرفته است؟

موسیقی گوش‌خراش مافیا



صابر محمدی
ادبیات و هنر

چندی پیش، یکی از فعالان رسانه‌ای و هنری، با دیگر سطح رویین زخمی کهنه را از پوست موسیقی برداشت؛ زخم سلطه انحصارگرایی در تولید و تقویت این هنر. حرف‌های او درباره استقرار نظام مافیایی در چرخه تولید و عرضه و تقویت موسیقی، با این که تازگی نداشت، اما بار که ناظری از بین ناظران به این ماجرا اشاره می‌کند، زخم کهنه نیز سر بر می‌آورد. مافیایی ریشه‌داشته در لایه‌های پنهان و آشکار که ما جرّاراً برچنج‌تر کرده و فعالان حوزه موسیقی را نگران‌تر، رسول‌شکری‌نیا راه‌آلای رسانه خوب می‌شناسند؛ او بود که اخیراً دوباره با اشاره به نفوذ کامل چند مؤسسه در همه شئون مرتبط با موسیقی، دوباره توجه‌ها را به این ناملایمیتی پرقدمت جلب کرد. البته این روزها و ماه‌ها آن قدر با کرختی و ایستایی در حوزه‌های مختلف هنر مواجه بوده‌ایم که هشدارهای این فعال رسانه‌ای و هنری، چندان موجی به‌راه نیاخت. بدیهی است وقتی کنسرت‌ها به‌عنوان داغ‌ترین تنور موسیقی در سال‌های اخیر تعطیل‌اند، توجهی هم به هشدارها در رابطه با موسیقی نشان داده نمی‌شود. با این حال، ما ناخوستیم از این حرف‌ها بگذریم و با رسول‌شکری‌نیا، پژو‌هشگر رسانه و موسیقی در این باره به گفت‌وگو نشستیم تا بیشتر بشنویم.

❖ **اخیراً از سلطه مافیا بر چرخه تولید موسیقی گفته‌اید؛ به داده‌های تازه‌ای دست یافته‌اید یا نکاتی که می‌فرمایید همان حدیث مکرر سابق است؟**

به‌عنوان فعال عرصه رسانه و هنر، با مافیا آشنا هستم و داده‌ها را طی این سال‌ها از فعالان حوزه موسیقی جمع کرده‌ام. کشف من نیست؛ مافیا جریان فاسد در موسیقی ماست و از آنجا که مردم موسیقی را دوست دارند و این هنر ظرفیت بالایی در اقناع افکار عمومی دارد، مافیا هم همین جا چنبه زده. دغدغه اصلی همه آنها که درگیر تولید موسیقی و برگزاری کنسرت هستند، این است که بتوانند بدون موانع و محدودیت‌هایی که کارتل‌ها ایجاد کرده‌اند فعالیت کنند. ما دو دهه است درگیر این کارتل‌های موسیقی هستیم؛ افرادی که سرمایه‌های سرگردان مساله دار داشتند و آن را وارد حوزه موسیقی کردند و از این مسیر، فضا و مجال را برای هنرمندان تنگ کردند. مافیا، اختاپوسی است که نمی‌گذارد موسیقی درست یا بگردد. ما ده‌ها مؤسسه موسیقی داریم که سال‌هاست اجازه فعالیت گسترده پیدا نمی‌کنند.

❖ **مطامع این مافیا، صرفاً اقتصادی است یا هدف‌های دیگری هم دارد؟**

هدف فقط اقتصادی نیست. گمان من این است که اینها به دنبال تغییر دافقه مردم در هنرهای مختلف هم هستند. می‌خواهند سلیقه را از موسیقی فاخر به سمت دیگر موسیقی‌ها بکشانند. آنها موسیقی سنتی ایران را تحقیر کرده‌اند. سرخورده‌اش کرده‌اند. کارشان دانقه‌سازی برای جوان‌ها و کشاندن آنها به سمت موسیقی‌های سیخف است.

❖ **در اظهارات‌تان به نفوذ این مافیا در مجموعه وزارت**

هم نمی‌دهند و گردش مالی دقیقی هم به‌دلیل معافیت‌های مالیاتی ندارند. کاسب هستند نه توسعه‌دهنده فرهنگ، البته ایا هم ندارند از اذعان به این ماجرا. استثماری‌نمندان را پنهان نمی‌کنند. اگر هنرمندی فاخر، حرف‌های اینها را می‌زد تا آخر عمر بایکوتش می‌کردیم اما اینها از تریبون‌های رسمی حرف‌هایشان را تکرار می‌کنند. می‌بینیم گروه‌های هنری شاخصی که با اینها کار می‌کردند به‌دلیل مخالفت سرکوب شده‌اند. برخی‌ها هم مهاجرت کرده‌اند. چرا به این مجموعه‌های این همه باج داده می‌شود؟ به‌دلیل این که اینها اجازه ورود به دیگران نمی‌دهند. فقط خودشان هستند. ببینید بیلوردها در اختیار کیست، ببینید کیست که می‌تواند یکی را سریع شاخص کند. وقتی یکشنبه یکی بالا می‌آید، این خودش مدرک است. کدام یک از آنها ماندگار شده‌اند؟ با شعرها و موسیقی تکراری و دست‌دوم، یک‌ساله بوده‌اند و رفته‌اند. اینها خاک موسیقی خورده‌ها را خانه نشین کرده‌اند. برخی فعالان راستین موسیقی در تأمین هزینه‌های اولیه زندگی شان در مانده‌اند. مافیای موسیقی، فضا را برای اینها تنگ کرده است و کسی هم نیست تذکر بدهد و تخلف‌های اینها را بررسی کند.

❖ **در دهه ۹۰، هر سال با برآمدن خواننده موسیقی پاپ و سپس پایین‌کشیدن او مواجه بوده‌ایم؛ تا آنجا که هر یک از سال‌های دهه ۹۰، به نام یک خواننده موسیقی پاپ نوشته شده**

و سال بعد از او خبری نیست و یکی دیگر جایگزین شده. چرا؟

زمانی موسیقی پاپ، موسیقی فاخر داشت مثل کارهایی که امثال محمد اصفهانی و علیرضا عصار ارائه می‌کردند. اینها هم به‌خاطر عملکرد کارتل موسیقایی و رسانه‌ای از میدان به‌در شدند. برخی آن قدر بزرگ بودند که مافیا نتوانست بایکوت‌شان کند. با این



❖ **شما استقرار مافیا را صرفاً در موسیقی پاپ رصد کرده‌اید یا شاهد این بحران در انواع دیگر موسیقی نیز هستید؟**

نه. این فضای مافیا، مختص پاپ نیست. در موسیقی سنتی و موسیقی ملی هم هست. اما به هر حال، اقتصاد موسیقی پاپ داغ‌تر و حضور مافیا در آنجا جدی‌تر است. تالارهای بزرگ شهر در اختیار آنها بوده است. شما اگر بخواهید به‌عنوان یک گروه اصیل موسیقی سالتی را برای اجرا اجاره کنید، می‌بینید سالتی‌ها را هم باید از آنها اجاره کنید چون در اختیار آنهاست و بلندمدت اجاره‌اش کرده‌اند. آنها هم موظف نیستند سالتی را در اختیارشان قرار دهند.

از این‌روست که هنرمندان موسیقی اصیل، زیر پای مافیای پاپ له شده‌اند. شاخص‌ها و فاخرها و نوآمده‌ها، گوش مردم را در اختیار ندارند. مظلوم‌ترین قشر، همین اهالی موسیقی سنتی هستند. هنرمندان موسیقی آیینی هم که کامل بایکوت هستند. سال‌های پیش در مناسبت‌ها آثار آیینی ارائه می‌شد اما با تلاش کارتل، آنها هم کنار رفته‌اند و جز تک و توک‌هایی که نهادهای رسمی حمایت‌شان می‌کنند، ما موسیقی آیینی نداریم. ❖

پخش از تصویرسازی پوستر دوازدهمین دوره جشنواره شعر فجر

